

Responsibility to protect and Taliban domination of Afghanistan in the light of the dialectic of human Values

Seyedeh Latifeh Hosseini

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences and Economics,
Alzahra University, Tehran, Iran. (l.hosseini@alzahra.ac.ir)

Narges Hosseini

PhD in International Law, Researcher and University Lecturer, Tehran, Iran. (nargueshosseini@gmail.com)

Mohammad Hosseinmardi

Assistant Professor, Department of Islamic teachings, Payame Noor University, Tehran, Iran.
(phd_mardi@pnu.ac.ir)

Zainab Esmati

Assistant Professor, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. (Esmati_tehranbar@yahoo.com)

Abstract:

The situation in Afghanistan has a geopolitical status and its events attract the attention of the world's great powers. Military offensives, arbitrary detentions, forced relocations, intimidation, insecurity, and the disenfranchisement of Afghan women, children, and men were some of the actions that took place in August 2021 when the Taliban took control of Afghanistan. However, the sovereignty of a state must include a commitment to protect those under its authority. When a government does not fulfill this commitment, it must expect the reaction of the international community. This article seeks to describe the recent situation in Afghanistan in a descriptive and analytical manner, emphasizing the need for the Taliban to fulfill their human rights obligations to the Afghan people. Thus, to answer this fundamental question, how is the doctrine of the responsibility of support possible in the case of Afghanistan as a way to end the chaotic situation of Afghans by relying on the mechanisms of international relations? in order to make a positive commitment to the sovereignty of governments in the world., Finally, it becomes clear that the responsibility to protect requires a positive commitment inherent in the traditional concept of sovereignty of states. Sovereignty is not only a right but also a responsibility under which a state is committed to safeguarding and respecting the rights of those under its jurisdiction. In this way, in the dialectical relationship between sovereignty on the one hand and human values on the other, the antithesis of the responsibility of protection can be presented.

Key words:

Responsibility to protect, Sovereignty, human Values, Afghanistan, dialectic

مسئولیت حمایت و استیلاي طالبان بر افغانستان در پرتو ديالکتیک هنجارهای بشری^۱

نویسنده مسئول، سیده لطیفه حسینی

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (l.hosseini@alzahra.ac.ir)

نرگس سادات حسینی

دکتری حقوق بین‌الملل، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، تهران، ایران. (nargueshosseini@gmail.com)

محمد مهدی حسینمردی استادیار

دکتری حقوق بین‌الملل، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (phd_mardi@pnu.ac.ir)

زینب عصمتی

استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (Email: Esmati_tehranbar@yahoo.com.)

چکیده

وضعیت افغانستان دارای جایگاه ژئوسیاسی است و وقایع آن توجه قدرت‌های بزرگ دنیا را جلب می‌کند. یورش‌های نظامی، بازداشت‌های خودسرانه، کوچ اجباری، رب‌ع و وحشت، ناامنی، عملیات تروریستی مکرر و سلب حقوق زنان و کودکان و مردان افغانی از جمله اقداماتی بوده که با تسلط افغانستان توسط طالبان در اوت ۲۰۲۱ رخ داد. این درحالی است که حاکمیت یک دولت باید در بردارنده تعهد حمایت از افراد تحت صلاحیت آن باشد؛ زمانی که دولتی به این تعهد عمل نمی‌کند باید انتظار واکنش جامعه بین‌المللی را داشت. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی در صدد است با در نظر داشتن وضعیت اخیر افغانستان و تسلط طالبان، با تأکید بر لزوم رعایت تعهدات حقوق بشری نسبت به ملت افغانستان از طرف طالبان، به این سؤال بنیادین پاسخ دهد که چگونه دکتربین مسئولیت حمایت در قضیه افغانستان به‌عنوان راه‌کاری برای خاتمه به وضعیت نابسامان افغان‌ها با ابتنا بر سازوکارهای روابط بین‌الملل امکان‌پذیر است؟ برای آن که بتواند تعهد ایجابی را متوجه حاکمیت دولت‌ها در جهان نماید. حال آن که حاکمیت نه‌فقط یک حق، بلکه مسئولیتی است که به‌موجب آن یک دولت به مراقبت و رعایت حقوق افراد تحت صلاحیت خود متعهد می‌باشد به‌این ترتیب در رابطه دیالکتیکی میان حاکمیت از یک‌طرف و ارزش‌های بشری از طرف دیگر آنتی‌تزی مسئولیت حمایت قابل‌ارائه است.

واژگان کلیدی: مسئولیت حمایت، حاکمیت، ارزش‌های بشری، افغانستان، دیالکتیک

۱. این مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/> CC BY-NC-ND است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

مقدمه:

قدرت‌گیری و تسلط مجدد گروه بنیادگرای طالبان به شیوه غیردموکراتیک پس از ۲۰ سال در افغانستان با نقض موازین حقوق بشر، مخاصمات مسلحانه و بحران‌های انسانی در تابستان ۲۰۲۱ همچون مهاجرت و کوچ اجباری افغان‌ها همراه بود. تبعات چنین تحركات گسترده نظامی از دست‌رفتن سرمایه‌های معنوی و مادی، حس ناامنی گسترده در میان شهروندان افغان و اتباع دولت‌های خارجی مقیم در خاک آن کشور هم‌زمان با خروج نیروهای خارجی مستقر در آنجا و تسلط گروه طالبان بر مناطق زیادی در افغانستان و سقوط دولت مرکزی مستقر بود که خود بازتاب گسترده‌ای را در سطح امنیت درون منطقه‌ای غرب آسیا برای کشورهای همسایه‌ای همچون ایران در پی داشت. نکته مهم آن، مسئولیت جامعه بین‌المللی در اقدام مؤثر و فوری، نسبت به نقض و موازین حقوق بشر و حمایت از پناهندگان افغان و تلاش آن‌ها برای خروج از این کشور می‌باشد. این درحالی است که شورای امنیت با تشکیل جلسه اضطراری به صدور قطعنامه ۲۵۳۲ شورای امنیت در ۲۸ اوت ۲۰۲۱ به موضوع حملات انتحاری صورت گرفته در اطراف فرودگاه حامد کرزی (کابل) که منجر به کشته شدن و زخمی شدن بیش از ۳۰۰ نفر غیرنظامی و ۲۸ پرسنل و کادر نظامی و جمعیت زیادی که به آنجا پناه برده بودند، پرداخت. مستفاد از مقدمه منشور ملل متحد و بندهای ۲، ۱ و ۳ ماده ۲ آن،^۲ آرمان واقعی ملل متحد در چارچوب رهایی از ترس و نیاز و تلاش برای کاهش قربانیان ناشی از مخاصمات و نقض‌های گسترده حقوق بشر است، در این راستا مفهوم مسئولیت حمایت تضمین می‌نماید تا دولت‌ها از افراد تحت صلاحیت خود حمایت کنند و جایی که چنین نکنند، انتظار می‌رود جامعه بین‌المللی نقش آن‌ها را ایفا کند؛ زیرا مساعی حقوق بین‌الملل معاصر بر آن است تا خشونت از تمدن انسانی رخت بر بسته و بشر منزلت و جایگاه واقعی خود را بازیابد. از این رو بحث مسئولیت حمایت در افغانستان به واسطه اجرای موازین حمایت از حقوق بشر نیازمند بررسی است.

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی با مطالعه و تدقیق در نظام بین‌الملل از جمله منشور ملل متحد، قطعنامه‌های سازمان ملل، سایر مراجع بین‌المللی و دکترین به نگارش درآمده و در یک رهیافت نوآورانه‌ای در پی ارائه مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای از زوایای حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل است با این رویکرد که گفتمان این دو عرصه بر یکدیگر

^۲ . سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضاء آن قرار دارد. (بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد)، کلیه اعضاء به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام دهند. (بند ۲ ماده ۲ منشور ملل متحد)، کلیه اعضاء اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیافتند، حل خواهند کرد. (بند ۳ ماده ۲ منشور ملل متحد)

اثرگذاری و اثرپذیری متقابلی دارند و حقوق بین‌الملل مجموعه قواعدی است که ناشی از روابط بین‌الملل است و در ایجاد آن‌ها منافع و اراده دولت‌ها نقش دارند؛ بنابراین بررسی اسناد و منابع موجود به‌منظور تفسیر عقلانی وضعیت موجود سرلوحه کار قرار گرفته است؛ اما از آنجاکه زمان و مکان در شکل‌گیری و قلمرو مفهومی هر قاعده حقوقی تأثیرگذار است و بدون توجه به این دو عنصر، پویایی نظام حقوقی معنای واقعی خود را از دست خواهد داد لذا واقعیات جامعه بین‌المللی و روابط دولت‌ها در عرصه بین‌المللی نیز در ارتباط با موضوع مسئولیت حمایت از نظر دور نمانده است. به این ترتیب عملکرد و رویه دولت‌ها نیز مطمح نظر خواهد بود. منابع رسمی و معتبر نظیر مقاله‌ها در ارتباط با مسئولیت حمایت به‌عنوان یکی از موضوعات حقوق بین‌الملل عمومی به زبان فارسی و لاتین وجود دارند که به نحو کلی به تبیین موضوع پرداخته‌اند. هرچند منابع موجود موضوع مسئولیت حمایت در افغانستان را با محوریتی که در این مقاله ارائه گردیده، در بر نمی‌گیرند. با این حال بهره‌گیری از همین منابع پراکنده در نگارش این مقاله به پژوهشگر کمک نموده است. تحول راهبرد پایگاهی آمریکا: مطالعه موردی غرب آسیا عنوان مقاله‌ای است که توسط فصلنامه روابط خارجی به چاپ رسیده (طه، ۱۴۰۰) نویسنده در قالب مطالعات راهبردی در بخش روابط خارجی متغیر مستقل بحث خود را به کنشگری‌های پایگاهی و عملیاتی موضوع اختصاص داده که در این پیرامون ایالات متحده به تحرکاتی با کاستن از حضور مستقیم نظامی خود در منطقه غرب آسیا متقاعد ساخته و اهتمام خود را مصروف آن می‌نماید تا با رویکرد استراتژیکی فرا ساحلی آن را مورد تحلیل قرار دهد درحالی‌که نوشتار حاضر در قالب جایگاه مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در قبال دولت‌های در معرض زوایای تصمیمات عملیاتی، آن‌ها را به تحلیل قواعد و اصول حقوق مسئولیت بین‌المللی برده و در پی آن است که به الزام آن‌ها در کاهش تلفات انسانی و غیرانسانی بابت تصمیمات عملیاتی که اتخاذ می‌کنند بپردازد. شناسایی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از منظر حقوق بین‌الملل کار پژوهشی دیگری بوده که توسط فصلنامه مطالعات بین‌المللی منتشر شد. (عزیزی، ۱۴۰۰) پژوهشگر آن، موجودیت یافتن حکومتی نوپا را در افغانستان از سوی یک گروه محلی موسوم به طالبان و صدور قطعنامه ۲۵۱۳ سال ۲۰۲۰ توسط شورای امنیت نشان از عدم رسمیت یافتن این تشکیلات دانسته و موضوع مسئولیت بین‌المللی این گروه را به‌عنوان راه‌حلی نهایی برای راه‌یابی آن‌ها به جامعه جهانی معرفی کرده است این درحالی است که مجموعه تحقیقی حاضر مسئولیت نه‌فقط یک گروه را در تثبیت جایگاه سیاسی خویش لازم می‌داند بلکه درجایی دیگر به‌واسطه این که طالبان در سطح کلی قدرت را در اختیار گرفته است آن را کافی نمی‌داند و بر مبنای تفسیر از طرح مسئولیت در کنار آن جامعه جهانی را به مشایعت در اجرایی نمودن حقوق مسئولیت حمایت متعهد دانسته که در این میان اراده سیاسی دولت‌ها در تأثیرگذاری بر رویکرد حقوق بین‌الملل بی‌تأثیر نیست تا جایی که ایالات متحده به مذاکره با طالبان که اعضای برجسته آن در حوزه حقوق الملل کیفری مرتکب جنایاتی علیه بشریت شده‌اند پای میز مذاکره نشست.

از این رو در این مقاله سؤال اصلی این خواهد بود که چگونه دکترین مسئولیت حمایت در قضیه افغانستان امکان‌پذیر است؟ برای بررسی نحوه امکان و عدم امکان اعمال دکترین مسئولیت حمایت در افغانستان بعد از استیلا طالبان ضمن نگاه اجمالی به ماهیت واژگان کلیدی مرتبط به موضوع و بررسی مبانی نظری و پیشینه تاریخی مفهوم مسئولیت حمایت (قسمت اول) اشکال این مسئولیت در قالب پیشگیری و با تأکید بر قطعنامه شورای امنیت پرداخته خواهد شد (قسمت دوم) و در نهایت عناصر لازم برای اعمال مسئولیت حمایت در افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرد (قسمت سوم).

۱. مفهوم شناسی و مبانی

روشن شدن هر موضوعی نیازمند تعریفی روشن و مختصر از آن موضوع است و نگاهی اجمالی به مبانی نظری و پیشینه یک پدیده امکان ارزیابی و بررسی تحولات آن پدیده را بهتر فراهم می‌کند. به این ترتیب در این قسمت بررسی موضوع با ارائه تعریف واژگان مرتبط با موضوع، مبانی نظری و پیشینه تاریخی آن آغاز شده است.

۱-۱ تحلیل مفاهیم

در این قسمت به تبیین واژگان مسئولیت حمایت، طالبان و دیالکتیک ارزش‌های انسانی پرداخته خواهد شد.

الف. مسئولیت حمایت:

حاکمیت در مفهوم سنتی خود امور داخلی یک کشور را در حوزه صلاحیت ذاتی دولت آن قرار می‌داد صرف نظر از این که آن دولت چه رفتاری نسبت به مردم خود دارد. اما حاکمیت ملی به موازات تغییر تعهدات دولت‌ها دستخوش تغییر شده و جامعه بین‌المللی به سمتی در حرکت است که حاکمیت دولت را مجوزی برای کشتن افراد نمی‌داند. به این ترتیب تسلط یک گروه جهادی بر نهادهای اجرایی نیز نمی‌تواند با تکیه بر چتر حمایتی حاکمیت خود از پاسخگویی نسبت به کشتار و جنایات رخ داده در قلمرو صلاحیتی‌اش سرباز زند.

دکترین مسئولیت حمایت در حقیقت زمانی قابل اعمال است که مقامات داخلی به نحو آشکار در حمایت از مردم خود در برابر جنایاتی نظیر ژنوسید، جنایات جنگی، پاک‌سازی قومی و جنایات علیه بشریت کوتاهی و قصور می‌کنند. عدم برخورداری از حداقل حقوق شهروندی، به‌کارگیری خشونت علیه زنان و برخورد با اقلیت‌های قومی و یا اعدام خودسرانه افراد از جمله این اقدامات است. مسئولیت بین‌المللی نتیجه الزام‌آور بودن تعهداتی است که بر طبق حقوق بین‌الملل بر عهده تابعان اصلی حقوق بین‌الملل است حقوق بین‌المللی با تدوین و ارائه قواعدی جنبه عملی پیدا می‌کنند و تا حدود صدسال قبل نتوانسته بود خود را به صورت ضابطه‌مندی وارد عرصه حقوق بین‌الملل کلاسیک نماید. (سیفی، ۱۴۰۰، ص ۱۴)

ب. طالبان:

گروهی مسلح متشکل از طلبه‌های افغانی و پاکستانی که نخستین بار در واپسین دهه قرن بیستم و در جغرافیای سیاسی - اجتماعی مناطق جنوبی افغانستان سال ۱۹۹۴ اطراف شهر قندهار رخ نمایاند و اعلام موجودیت کردند جریانی که

در دور اول حیات خویش و پس از یک سلسله عملیات نظامی طی سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ توانست بر بخش‌های قابل توجهی از افغانستان استیلا پیدا کند و اقدام به تشکیل دولتی تحت عنوان امارت اسلامی نماید. (باقری دولت‌آبادی، باقری و نایب، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷)

ج. دیالکتیک ارزش‌های انسانی:

دیالکتیک در معنای کلی حاکی از فرآیند درهم‌تنیده تضاد مفهومی با اجتماع، پیوند متقابل و تغییر است که در آن تکوین و نفوذ متقابل و اصطکاک تضادها به تعالی آن‌ها به صورت یک شیوه وضع کارآمدی به خود می‌گیرد در واقع دیالکتیک یکی از قدیمی‌ترین، پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مفاهیم فلسفی است (سروش، ۱۳۵۷، ص ۲۱) این مفهوم در حوزه مسئولیت‌پذیری تابعان دولتی و سازمانی در نظام جهانی تحت تأثیر فرآیند انسانی شدن حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد به‌ویژه حرمت و حیات انسانی و تأکید بر رعایت تعهدات بین‌المللی مقدم شمرده شده و عامل اضطراب رافع وصف متخلفانه اعمال ارتكابی قلمداد گردیده است لذا در حمایت از حیات جمعی انسان‌ها یا ملت‌ها نیز عذر ضرورت واجد این ویژگی شناخته شد. اصل حکمرانی مطلوب این اقتضاء را دارد تا دولت‌ها اصول و ارزش‌های انسانی را مورد توجه قرار دهند هرچند جهانی‌شدن همراه با توسعه تکنولوژی و تجارت جهانی بستر شکل‌گیری دنیای بدون مرز را فراهم ساخت اما در همین خصوص دولت‌ها به شکل مطلق نمی‌توانند اعمال حاکمیت نمایند. (شهبازی، ۱۳۸۸، صص ۲۱-۱۹)

در این جا فرآیند سیالی میان ارزش و واقعیت در نظام حقوق بین‌الملل وجود دارد که عرصه جدال کلامی را میان دو رهیافت واقع‌گرا و ایده‌آلیسم از مکاتب حقوق طبیعی و حقوق وضعی می‌گشاید یعنی دیالکتیکی که از دیرباز میان حقوق موجود و حق موعود یا آنچه هست آنچه باید باشد ادامه پیدا می‌کند.

۲-۱- مبانی نظری و تحول تاریخی در دکتترین مسئولیت حمایت

حاکمیت حق سنتی دولت‌ها و تعهد امروزی دولت‌ها است به این معنا که دولت‌ها دارای استقلال و برابری حاکمیت‌ها می‌باشند و دولت‌های دیگر نباید در امور داخلی مربوط به اداره کشور یکدیگر مداخله کنند (Turner, M, 2005, p. 31) اما در مقابل، دولت حاکم دارای تعهداتی از جمله رعایت حقوق افراد تحت صلاحیت خود می‌باشند مسئله آنجا بغرنج می‌شود که دولت حاکم حقوق افراد بومی خود را نادیده انگاشته و در مقابل جنایات ارتكابی علیه آنان سکوت می‌کند و بعضاً خود اقدام مثبتی در جهت ارتكاب جنایات اتخاذ می‌کند استیلاي طالبان در افغانستان و تلاش برای ایجاد دولت از جمله وضعیت‌هایی است که امروزه در جامعه بین‌المللی بیم آن می‌رود که در نتیجه آن حقوق افغان‌ها نقض گردد. (Evans, G. 2007, p. 20) در این راستا، ترویج و گسترش اتحاد بر اساس انسانیت مشترک در درون هر ملت و در میان تمام ملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ملل متحد نیز به‌عنوان نماینده جامعه جهانی زمانی می‌تواند با چالش‌های پیش روی جامعه جهانی مقابله نماید که رویکرد گزینشی با رویدادهای بین‌المللی را کنار

گذاورد. مطابق گزارش اخیر دبیر کل متحد از طرح مسئولیت بین‌المللی موضوع مسئولیت بین‌المللی متوجه دولت‌ها بوده که اعمال متخلفانه‌ای را مرتکب می‌شوند یا این‌که مستند به ماده ۸ طرح مسئولیت بین‌المللی رفتار شخص یا گروهی از اشخاص که بر اساس حقوق بین‌الملل فعل دولت به حساب آمده که تحت دستور آن دولت مرتکب چنین جنایاتی شده‌اند در گزارش اخیر مؤثر بودن اقدامات دولت یا گروه آمر به‌عنوان وجه تعیین‌کننده مورد تأکید است.

(General Assembly, 2022, p.14)

دهه اول قرن ۲۱ و در بحبوحه بحران‌های یوگسلاوی سابق و رواندا تلاش‌هایی در مدت دهه ۱۹۹۰ برای توجه جامعه جهانی به‌ویژه از جانب دبیر کل وقت ملل متحد کوفی عنان به‌عنوان چالش بزرگ هزاره صورت گرفت تا در چارچوب مداخلات بشردوستانه مسئولیت حمایت دولت‌ها به‌عنوان تعهداتی پذیرفته شود که دولت‌ها در موارد فجایع حقوق بشری متعهد به پاسخ‌گویی در برابر چنین اقداماتی باشند. از این رو کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت^۳ با همکاری دولت‌های عضو گزارش‌هایی را طی مدت زمانی سپتامبر سال ۲۰۰۰ و دسامبر ۲۰۰۱ منتشر ساخت

(Evans, 2008, pp. 30-38)

دیوان بین‌الملل دادگستری ۲۲ ژوئیه سال ۲۰۲۰ مصادف با ۳۱ تیرماه ۱۴۰۱ در پرونده اتهام ژنوسید به ارتش میانمار علیه اقلیت مسلمان روهینگا اعلام داشت که به‌واسطه نقض کنوانسیون ملل متحد در مورد ژنوسید توسط دولت میانمار و در پی درخواست دولت گامبیا به‌عنوان طرف ثالث دعوا و با وجودی که مورد اعتراض دولت میانمار قرار گرفت اما نافی نقش دیوان به‌عنوان رکن قضایی ملل متحد و مرجع رسیدگی‌کننده، نمی‌باشد و صلاحیت رسیدگی به این پرونده را برای این‌که نقض تعهد توسط یک دولت صورت گرفته و از جانب دولت دیگری درخواست رسیدگی مطرح شده، دارا است.^۴

پس از سال ۲۰۰۱ در باب پذیرش یا عدم پذیرش دکترین مسئولیت حمایت اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. دولت‌های مخالف مسئولیت حمایت، آن را بهانه‌ای برای تسلط نظامی یا سیاسی، اجرای گزینشی و بانگیزه‌های سیاسی و در نتیجه تشدید بحران بشردوستانه دانسته و برخی آن را بهانه‌ای برای تغییر رژیم می‌دانند (Barbour And Gorlick, 2008, p. 533) مخالفان مسئولیت حمایت غالباً هر سه بعد آن یعنی پیشگیری، واکنش و بازسازی را توأمان در نظر نمی‌گیرند و فقط مسئولیت به واکنش را که همان مداخله نظامی بشردوستانه است، مورد توجه قرار می‌دهند. با وجود این، بسیاری، مداخله ناتو و در رأس آن شورای امنیت رادکشورهای مثل: افغانستان را در بوته آزمون اصلی مسئولیت حمایت دانسته‌اند.^۵

³ The International Commission on intervention and State Sovereignty

⁴ Application of the convention on the prevention and punishment of the crime of Genocide of the crime of Genocide, The Gambia v. Myanmar, No. 178, 22 July 2022, PP: 17.

^۳ - بان کی‌مون در این خصوص اظهار داشت: «در سال ۲۰۱۱ مسئولیت حمایت به نحوی مورد آزمون قرار گرفت که پیش از آن قرار نگرفته بود. نتایج آسان نبودند اما در پایان روز، جان بسیاری از افراد نجات یافته بود.» نک به:

Ban, K. *Responsibility to Protect Came of Age in 2011, Conference on the Responsibility to Protect (RtoP), United Nations*, 18 January 2012, available online at <http://www.un.org/News/Press/docs/2012/sgsm14068.doc.htm>.

کمیسیون بین‌المللی مداخله، مسئولیت پیشگیری را مهم‌ترین بعد مسئولیت حمایت می‌دانست، بان‌کی مون در سال ۲۰۱۰ عنوان کرد که مسئولیت حمایت باید بر مبنای ارزیابی و هشدار اولیه انجام پذیرد. (UN General Assembly, Report of the Secretary-General, 2010, para10) در واقع گزارش دبیر کل در سال ۲۰۰۹ تحت عنوان «اجرای مسئولیت حمایت» (Report of the Secretary-General, 2009: para5) و در سال ۲۰۱۰ تحت عنوان «ارزیابی و هشدار اولیه و مسئولیت حمایت» اولین گام برای شروع را پیشگیری خواندند. (Ban, K., 2010, para7) همچنین دبیر کل سابق این پیشنهاد را مطرح کرد که سال ۲۰۱۲ به‌عنوان سال پیشگیری نام‌گذاری شود (Heaton, L, 2012, p. 2) زیرا پیشگیری چه از نظر مادی و چه از نظر اخلاقی هزینه کمتری نسبت به واکنش یا عکس‌العمل دارد و باعث می‌شود از مشاجره و اختلاف در خصوص مداخله از یک طرف و اقدام به مداخله بشردوستانه و کاربرد زور از طرف دیگر جلوگیری شود. (J. Desmond, 2008, p. 11) بسیاری از مفسران به ماهیت پیشگیرانه مسئولیت حمایت اشاره دارند. (Wheeler, N, 2008, p. 11) و همین اقدامات پیشگیرانه مسئولیت حمایت است که از بار اخلاقی مداخله بشردوستانه می‌کاهد. (T, 2008, p. 21) در این مرحله مراجع صالح بین‌المللی نظیر شورای امنیت به دلیل اختیارات وسیعی که دارد با اعمال اقدامات محدودکننده نظیر تحمیل تحریم‌های اقتصادی و نظامی (نیکنام ابریکو، ۱۳۹۵، ص ۱۳) و با در انزوا قرار دادن دولت مستقر سعی در آرام کردن اوضاع نماید. این نوع از مسئولیت حمایت در حال حاضر با صدور قطعنامه شورای امنیت در خصوص افغانستان قابل اعمال است.

گفته می‌شود مسئولیت حمایت باید آخرین راه‌کار توقف قصور یک دولت در حکمرانی باشد. به‌عنوان نمونه در قضیه لیبی از مداخله نظامی به‌عنوان آخرین راه استفاده شد چراکه تلاش‌های غیرنظامی و دیپلماتیک انجام شده بود. (Report: Fighter jet shot down near Benghazi, 2011) در این راستا، شورای امنیت تحریم‌هایی از جمله تحریم تسلیحاتی و ممنوعیت سفر را اعمال و اموالی را مسدود کرد ولی هیچ‌یک از این اقدامات کارساز نبود. (U.N. Doc. S/RES/1970, 2011; U.N. Doc. S/RES/1973, 2011) لذا در قضیه لیبی معیار آخرین راه محرز بود. نشست سران کشورها در جلسه شصتم مجمع عمومی سال ۲۰۰۵ حاکی از وجود این اعتقاد حقوقی بود که باید در مقابل دولتی که در برابر جنایات علیه مردم خود کوتاهی می‌کند، اقدام مقتضی اتخاذ کند. (UN Doc S/res/1894, 2009: par7) این در حالی است که به‌رغم وجود این رویکرد واکنش ارکان ملل متحد در اعمال دکترین مسئولیت حمایت گزینشی است و دستورالعمل مشخصی در خصوص شرایط و نحوه اعمال این دکترین در برخورد با دولت‌های ناتوان در اعمال وظایف حاکمیتی خود وجود ندارد.

مسئولیت حمایت و مداخله بشردوستانه دوروی یک سکه است. یکتو تعهد دولت به اتخاذ اقدام در قلمرو خود برای حمایت از جمعیت خود از خشونت و بی‌رحمی و روی دیگر، تعهد آن دولت به اتخاذ اقدام در داخل قلمرو خود برای حمایت از اتباع خارجی است که از نظر برخی صاحب‌نظران همان مبارزه با تروریسم است. در واقع، ظهور سریع مفهوم مسئولیت حمایت در طول بیش از ۱۵ سال گذشته تا حد زیادی به دلیل نقض‌های حقوق بشری گسترده در برخی کشورها و قصور جامعه بین‌المللی در مداخله برای پیشگیری از وقوع آن‌ها بوده است. به‌عنوان نمونه قصور جامعه بین‌المللی در جلوگیری از نقض‌های حقوق بشری اتحادیه آفریقا را بر آن داشت تا در سند تأسیس خود، حق اتحادیه را برای مداخله در دولت عضو در شرایط بحرانی و به‌هنگام وقوع جنایات جنگی، ژنوسید و جنایات علیه بشریت مورد شناسایی قرار دهد. (African Union, Constitutive Act, 2000, Article 4)

کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت در سال ۲۰۰۱ زمانی که گروه طالبان برای نخستین بار در افغانستان قدرت را در دست گرفته بود اظهار داشت: درجایی که جمعیت یک کشور متحمل صدمات جدی در نتیجه جنگ داخلی، شورش، آشوب یا قصور آن دولت می‌شوند و دولت مورد بحث در جلوگیری و توقف این نقض حقوق قادر یا مایل نیست، دولت حاکم ناگزیر است دکترین مسئولیت حمایت را بپذیرد. به‌این ترتیب مسئولیت مفهوم جدایی‌ناپذیر از حاکمیت است به این معنا که حاکمیت یک دولت مطلق و نامحدود نیست. دولت باید مراقبت کند که نسبت به شهروندان خود به‌گونه‌ای رفتار کند که نیاز به پاسخ‌گویی به خاطر رفتار خود در قبال جامعه بین‌المللی نباشد. (بهمن تاجایی، ۱۳۹۴، ص ۲۴۰) مسئولیت حمایت دکترینی است که وظیفه حاکمیت به پاسخ‌گویی در صورت رفتار نادرست نسبت به مردمان خود را گوشزد می‌کند. مسئولیت حمایت مشتمل بر اقدامات نازل‌تر از توسل به زور از کمک بشردوستانه گرفته تا تحریم‌های اقتصادی است و توسل به زور تنها آخرین راه چاره است که باید با مجوز شورای امنیت باشد. (International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS), 2001, p. 54)

در قطعنامه‌های اوایل دهه ۹۰ غالباً از صفت «منحصربه‌فرد» یا «استثنایی» برای دکترین مسئولیت حمایت استفاده می‌شد زیرا موضع چین و برخی دولت‌های دیگر نسبت به قطعنامه‌هایی که حوزه وظیفه حفظ صلح و مداخله شورا را به درون مرزهای یک دولت توسعه می‌داد، مثبت نبود. (Bruno, 1999, p. 22) لذا مسئله اصلاح قالب حاکمیت مطرح شد تا جامعه بین‌المللی بتواند چارچوبی را جهت جلوگیری از وقوع نقض‌های شدید و سیستماتیک حقوق بشر و پاسخ‌دهی به آن‌ها در مواردی که دولت حاکم قادر یا مایل به آن نیست سامان‌دهی نماید. (SC Resolution, 2006, p. 1674)

چنین رویکردی محصول ارتقاء جایگاه فرد در عرصه مناسبات بین‌المللی یا به‌عبارت‌دیگر ارتقای جایگاه حقوق بشر بود، چنانکه کوفی عنان در سال ۱۹۹۹ اظهار داشت: «اکنون وقتی منشور را بازخوانی می‌کنیم هدف آن را حمایت از

بشر می‌بینیم نه حمایت از کسانی که آن‌ها را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند.» (Annan, K, 1999, p. 49) در راستای همین رویکرد بود که در سال ۲۰۰۴ هیأت عالی ملل متحد درخصوص «تهدیدات، چالش‌ها و تغییرات» گزارش «جهان امن‌تر: مسئولیت مشترک ما» را ارائه کرد و شورای امنیت را محکوم کرد که در این مسائل با تأخیر یا تردید عمل می‌کند و یا اصلاً عمل نمی‌کند. (Secretary-General's High-level Panel on Threats, Challenges and Change, 2004, Xi Office) جدید است اما ریشه آن را توان در قرن بیستم و برای مثال در کنوانسیون منع و مجازات ژنوسید یافت. (of the Special Adviser for the Prevention of Genocide 9 December 2011, para. 3) بررسی اجمالی مبانی نظری و سیر تحول تاریخی لازم است موضوع مسئولیت حمایت در افغانستان مشخص شود. تکوین حقوق مسئولیت حمایت ناشی از تعامل میان دو امر حقوقی و سیاست بوده که با یکدیگر همپوشانی داشته و از دید منتقدان نمی‌توان تأثیر منافع ترجیحی در حوزه سیاست بین‌الملل و باز آرای دولت‌ها را در این عرصه نادیده گرفت زیرا عدم همکاری و نارضایتی حاکمیت‌ها کارآیی حقوق بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده و آن را تنها به یک سلسله قواعد ارزش محور اخلاقی مبدل می‌کند البته این موضوع را نمی‌توان با زاویه اراده‌گرایی مضیق ساخت زیرا به دلیل سیالیت در عرصه سیاست که آن‌هم برآمده از ماهیت منافع و یا تعارض در منافع مربوط به حوزه سیاست بین‌الملل است، نقش اصول و قواعد حقوق بین‌الملل در بستر قاعده‌گرایی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد به‌ویژه که در شرایط پایانی قرن ۲۰ و قرن ۲۱ این ضرورت پس از تجربیات گرانی که از دو جنگ جهانی و جنگ منطقه‌ای بیرون آمد ضرورت وجودی خود را پدیدار ساخت. مستند به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده سال ۱۹۸۴ و نیز رأی مشورتی شماره ۱۶ سال ۱۹۹۹ دادگاه بین‌المللی حقوق بشر، وجدان جامعه بین‌المللی را در پذیرش اصول و قواعدی که تفسیر آن در راستای منافع بشریت بوده مجاب نمود. از دیدگاه سی ویلفرد جنکز دیگر نمی‌توان حقوق بین‌الملل را به‌عنوان حقوق حاکم بر روابط متقابل دولت‌ها و در پرتو تأمین منافع آن‌ها تبیین کرد. (فرزانه، ۱۳۹۴: ۱۷) برخی تحلیل‌گران عرصه روابط بین‌الملل معتقدند که دیالوگی میان دو عرصه روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در آغاز هزاره سوم به وقوع پیوسته به‌گونه‌ای که نه خودبستگی عرصه سیاست و نه پافشاری بر قاعده‌گرایی صرف بلکه گفتمانی است که به تثبیت یک رژیم بین‌المللی مسئولیت میان دولت‌ها کمک کرده تا از بروز فجایع انسانی و غیرانسانی یکدیگر را بازدارند. برآیند چنین مسئله‌ای همکاری میان دو عرصه حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل است. (قوام، محسنی، ۱۳۹۷، ص. ۵۰)

۲-۲- ابعاد سیاسی مسئولیت حمایت:

نخبگان سیاسی نقش مهمی در شکل‌گیری گفتمان‌ها همچون نحوه عملکرد تصمیم‌سازان در عرصه سیاست خارجی دارند. (نخبگان سیاسی و صورت‌بندی گفتمانی اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰، ص. ۹۰۶)

ابعاد سیاسی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از این جهت واجد بررسی بوده که دولت‌های بسیاری در جهان آن را اهرمی برای نفوذ و دخالت قدرت‌های ذی‌نفوذ در مناطق جهان به حساب آورده و بدین خاطر است که می‌توان به دیالکتیک ارزشی از آن یاد نمود اما از دیدگاه بسیاری از تحلیل‌گران دولت‌ها در چارچوب تظاهر به موازین حقوق بین‌الملل اقداماتی را مرتکب شده که از آن در ادبیات این حوزه می‌توان به‌عنوان مسئولیت دولت بابت اعمالی یاد نمود که آثار زیان‌بار آن می‌تواند هم در بخش حقوقی نمود یابد و محورهای امنیت محور را نیز در برگیرد (مونتجویی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵) در همین راستا راهبرد روابط خارجی در خصوص محورهای آرمانی حقوق بین‌الملل بشر را می‌توان مورد توجه قرار داد. قدرت‌های بزرگ چشم‌انداز فراخی را برای حوزه سیاست‌های راهبردی خود قائل هستند در ایالات متحده آمریکا به‌ویژه در باب دکترین مسئولیت حمایت، حقوق‌دانان آنجا برای حقوق بین‌الملل نقشی متفرع بر گستره سیاست خارجی قائل هستند به‌گونه‌ای که در خصوص هژمونی دولت آمریکا در جهان به نظریه فراساحلی می‌توان اشاره داشت استفن والت، مرشایمر ولین معتقد به چنین موازنه‌ای هستند. به‌عنوان نمونه غرب آسیا برای این دولت به‌واسطه این که تولیدکننده ۳۰ درصد از انرژی جهانی در منطقه خلیج فارس است از اهمیت ژئواکونومیک قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بوده که نمی‌توانند به‌راحتی منافع خود را از دست بدهند در دوره بوش پسر این مسئله با اهداف پیشدستانه توأم گردید که تحت عنوان ضرورت مبارزه با القاعده و تروریسم موضوع حضور نظامی در افغانستان را تلاش داشت تا به‌عنوان یک هنجار واقع‌گرا بر رژیم مسئولیت حمایت بیفزاید. البته با این تفاوت که با استفاده از قابلیت‌های نظامی خویش با ایجاد پایگاهی، در بلندمدت منافع خود را تحت کنترل و تضمین قرار می‌دهند. (اکرمی، ۱۴۰۰، صص. ۳۱۴-۳۱۳)

تأثیر چنین موضوعی در عمل بر میزان تأمین امنیت ملی ایالات متحده آمریکا بستگی پیدا می‌کند که می‌توان از آن تحت مسئولیت حمایت امنیت محور یاد نمود. این درحالی است که تثبیت جایگاه امنیت جهانی از منظر حقوق بین‌الملل و امنیت ملی از دیدگاه سیاست خارجی کشورها، منجر به تناقض میان این دو می‌شود یعنی بروز مخاطراتی که دولت‌ها در عرصه اجرایی کردن سیاست‌های راهبردی و تعمیم اولویت‌های امنیتی خود موجب بروز ناامنی در بین دیگر حاکمیت‌های جهان می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه حضور آمریکا در افغانستان و خروج اخیر آن از این کشور وضعیت دولت‌های پیرامونی را همچون ایران به لحاظ جایگاه امنیت و مدیریت بحران انسانی مهاجران افغان در کنار بحران‌های همه‌گیر دیگری نظیر کرونا، تحت تأثیر قرار داد. از این رو برای مدیریت بی‌ثباتی ناشی از افول هژمونی آمریکا و لزوم مواجهه با پیچیدگی‌های جهانی، ایجاد حاکمیت منطقه‌ای ضرورت می‌یابد. (بیات و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۵۹۹)

۲- مسئولیت حمایت در تحولات اخیر افغانستان مستند به قطعنامه ۲۵۹۳

پیچیدگی تحولات و بحث مسئولیت حمایت در افغانستان را می‌توان مستند به قطعنامه ۲۵۹۳ شورای امنیت تحت عنوان وضعیت منحصربه‌فرد^۶ در حقوق بین‌الملل یاد نمود.

نظام حقوق بین‌الملل در مورد مشروعیت حکومت‌ها برخلاف نظام حقوق بین‌الملل کلاسیک، در سه دهه اخیر، از معیار «اعمال قدرت مؤثر» به‌عنوان تنها معیار قابل‌اعمال در مورد مشروعیت حکومت‌ها استفاده نمی‌کند و به‌ویژه در موارد انتقال غیرمسالمت آمیز قدرت و مغایر مقررات قانون اساسی، موضعی کاملاً سلبی دارد و از شناسایی حکومت‌هایی که به طرق غیردموکراتیک به قدرت رسیده‌اند، خودداری کرده است. درعین حال، نمی‌توان از معیار «مشروعیت دموکراتیک» به‌عنوان تنها معیار در سنجش مشروعیت حکومت‌ها سخن راند به‌ویژه اگر شیوه‌ی به قدرت رسیدن حکومت غیر دموکراتیک مستقر در این کشورها، مسبوق به برکناری و اسقاط حکومت‌های دموکراتیک و برخاسته از اراده مردمی نباشد و همواره در آن کشور، نظامی غیردموکراتیک حاکم بوده باشد؛ اما در موضوع حاضر، از آنجایی که افغانستان دارای دولت مستقر مبتنی بر قانون اساسی و انتخابات بوده است که توسط گروهی با اعمال زور ساقط شده و نیز با توجه به ماده شصت قانون اساسی افغانستان که معاون اول رئیس‌جمهور را در حالت غیاب، استعفا و یا وفات وی، کفیل او می‌داند، به نظر نمی‌رسد که بتوان مبنایی حقوقی یافت تا نظام قبلی را که معاون اول رئیس‌جمهور و کفیل قانونی آن نیز در داخل خاک این کشور حضور دارد، ساقط و قدرت طالبان را به رسمیت شناخت؛ مگر زمانی که قانون اساسی این کشور بر اساس تصویب مردم و سازوکارهای حقوق اساسی این کشور تغییر کرده و ساختار جدیدی جایگزین ساختار قبلی گردد. موضوع جانشینی حکومت جدید در مسئولیت بین‌المللی، معاهدات بین‌المللی و دیون مطرح می‌شود که لازم است مورد مذاقه قرار گیرد. (محمدزاده، ۱۴۰۰، ص ۱)

در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها چنانچه یک جنبش شورشی موفق به تشکیل حکومت شود، به استناد اصل «دولت در حال گذار» که بیان‌گر نوعی اهلیت ناقص یا در حال شکل‌گیری برای جبهه مبارز است و مستند به کنفرانس ۱۹۳۰ لاهه و بند ۱ ماده ۱۰ طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، حکومت جدید نسبت به تخلفات بین‌المللی خود در جریان جنبش، مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت. همچنین به استناد اصل «تداوم دولت» حکومت جدید نسبت به تخلفات بین‌المللی حکومت سابق نیز مسئول خواهد بود. (کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸، ص ۷۲)

⁶ Sui generis

شورای امنیت سازمان ملل متحده در پی تحولات اخیر در افغانستان روز دوشنبه ۳۰ اوت (۸ شهریور) به صدور قطعنامه ۲۵۹۳ مشتمل بر ۷ ماده مبادرت کرد که در آن به صراحت از طالبان خواسته تا به تعهدات خود مبنی بر تأمین امنیت غیرنظامیانی که به دنبال خروج از افغانستان هستند عمل کند.

آنچه در این قطعنامه واجد بررسی است و این سند آن را به صورت کلی مطرح نموده اشخاص تحت حمایت است؛ اشخاص تحت حمایت در این قطعنامه شامل: الف- اتباع افغانی که قصد پناهندگی دارند که موضوع ماده ۳ قطعنامه است. ب- اتباع افغانی که در خاک این کشور سکونت داشتند و قطعنامه به آن‌ها اشاره نداشته است. ج- اتباع کشورهای ثالث که به عنوان اشغال‌گر در خاک افغانستان به صورت پرسنل نظامی حضور داشتند و هدف اصلی صادرکنندگان این قطعنامه در درجه اول حمایت از آن‌ها است که از شهروندان و اتباع خودشان هستند.

حال آن‌که مطابق ماده ۴ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۵۰ پروتکل اول الحاقی شخصی مورد حمایت است که تبعه طرف مخاصمه نباشد در مورد مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی که در پی مداخله یک دولت بیگانه وضع بین‌المللی شدن پیدا کرده‌اند اعمال تابعیت می‌تواند آثار ناگواری را در برداشته باشد برای این منظور آنچه که بیشتر مورد نظر صادرکنندگان قطعنامه ۲۵۹۳ است عنصر وفاداری بوده تا این‌که الگوی حقوق بشری را مناط اعتبار قرار دهند. (ممتاز، شایگان، ۱۳۹۷، صص ۳۶-۳۵)

شورای امنیت دوباره بیست روز پس از صدور قطعنامه ۲۵۹۳ در ۱۷ سپتامبر قطعنامه ۲۵۹۶ را صادر کرده که تنها به دسترسی و تداوم کمک‌های بشردوستانه تأکید کرده است و همچون قطعنامه قبلی شورا «احترام به حقوق بشر از جمله حقوق زنان، کودکان و اقلیت‌ها» را بار دیگر تکرار می‌نماید. (قطعنامه شورای امنیت، شماره ۲۵۹۶، سال ۲۰۲۱). این نهاد با وجودی که در قطعنامه از طالبان می‌خواهد تا اجازه دسترسی کابل، ایمن و بدون مانع را به سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌ها برای ارائه کمک‌های بشردوستانه داده شود اما همچنان در ارائه راهکار عملیاتی و واقعی دچار کلی‌گویی است. یکی از مسائل مهم که در چارچوب قطعنامه فوق مورد توجه واقع گردید

مطابق ماده ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی مصوب سال ۲۰۰۱ از آن‌جا که مسئولیت اولیه گروه‌های شورشی برعهده خود آن‌ها بوده و جنبه‌ای از اعمالشان به شمار می‌رود. زمانی که در این زمینه کوتاهی صورت بگیرد، سایر دولت‌ها از طریق ملل متحد به اقدامات صلح‌آمیز، بشردوستانه یا دیپلماتیک متوسل می‌شوند. اگر این اقدامات با شکست مواجه شوند شورای امنیت می‌تواند اجازه اتخاذ اقدام جمعی برای برخورد با وضعیت را صادر کند. در واقع جنبه عینی‌تر چنین مسئولیتی آن است که بتوانند راهکار عملی را پیاده‌سازی نمایند. در این خصوص می‌توان به رأی بارسلونا تراکشن سال ۱۹۷۰ میان بلژیک و اسپانیا اشاره داشت که تفکیکی ضروری میان تعهدات دولت‌ها نسبت به جامعه بین‌المللی و تعهدات دولت‌ها در مقابل هم را مورد تأکید قرار می‌دهد. تعهدات نخستین که تمام دولت‌ها در آن ذی‌نفع هستند و اهمیت این حق‌ها نشان‌گر تعهدات عام الشمول است. (سیفی، پیشین، ص ۴۴)

این که می توان از فرد در مقابل دولت خودش محافظت کرد در آغاز نقض حاکمیت تلقی می شد. (Tang, J, 1999, p. 15) اما این ایده به تدریج در حقوق بین الملل پذیرفته شده است که دولت ها نباید در مقابل نقض فاحش حقوق بنیادین افراد تحت قلمرو صلاحیتی خود بی تفاوت باشند. حمایت از حقوق بشر به موازات مسئول شناختن فرد برای نقض های حقوق بشر و بشردوستانه (اصل مسئولیت کیفری فرد) بود که از سال ۱۹۴۵ و با تشکیل دادگاه کیفری نورنبرگ آغاز گردید با تأسیس دادگاه های کیفری و دیوان بین المللی کیفری، رویه قضایی در این خصوص غنی تر شد. (Cranston, A. 2012, p. 11)

کشور افغانستان به دلایل مختلف از جمله نقض های حقوق بشر، ضعف حاکمیت قانون و فساد اقتصادی وضعیت مساعدی ندارد. نابسامانی های کشور فوق در ابعاد مختلف سیاسی و حقوقی از دیرباز موضوع بحث بوده که اشغال آن توسط آمریکا نیز نه تنها اوضاع را بهتر نکرد بلکه سبب وخامت بیشتر اوضاع شد به این ترتیب عناصر اعمال مسئولیت حمایت در آنجا در قسمت بعد مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۳- عناصر اعمال مسئولیت حمایت در افغانستان

اختلاف نظر اعضای دائم شورای امنیت در وقایع اخیر افغانستان و صدور قطعنامه ۲۵۹۳ بیانگر تعارض منافع میان این دولت ها است که خود مانع از اتخاذ تصمیمی گردید که در چارچوب فصل های هفتم و ششم منشور ملل متحد واکنش مؤثری را نسبت به فضای تعقیب و گریز ناشی از استیلاي طالبان در جامعه بحران زده افغانستان به عمل آورند. (1, pp. Social security, Resolutions/RES/2593(2021))

این در حالی است که اعضای دائم شورای امنیت در قضیه سوریه و محکوم کردن به کارگیری سلاح های شیمیایی در منطقه الغوطه شرقی ریف دمشق هم داستان بودند و در سال ۲۰۱۳ به کارگیری این نوع سلاح را توسط طرفین درگیر نقض جدی حقوق بشردوستانه بین المللی اعلام کردند. (زمانی، ۱۳۹۵، ص ۶۴۰) یکی از مؤثرترین راه های پیشگیری از وقوع فجایع در افغانستان نظیر آنچه که در تنگه پنجشیر رخ داد، خاتمه دادن به رنج های بشری برای رسیدن به صلحی عادلانه و همیشگی است و این صلح عادلانه و همیشگی از طریق اقدامات قاطعانه کشورها و افراد با تأکید بر اشتراکات و ارزش های بشری حاصل می شود که سازمان ملل در الهام بخشی و هماهنگی این اقدامات نقش مهمی را می تواند ایفا کند. (Champion & Malas, 2011, p. 41)

لذا توجه به صلح، توجه به حقوق انسانی است. تجربه نشان داده است که انسان برای حفظ خود و حقوق انسانی خود باید صلح را بسازد و برای ساختن صلح لازم است زیربنای صلح ساخته شود و زیربنای صلح نیز چیزی جز حقوق بشر نمی باشد. چراکه حق بر صلح نیز یکی از مقولات حقوق بشر می باشد. طبیعی است کارکردی که باید تقویت شود، کارکرد تحکیم صلح است و اقدامی که باید صورت گیرد اقدامات صلح سازی است تا جامعه ای برابر و عادلانه که در آن کرامت و شأن انسانی مورد توجه قرار گیرد، شکل گیرد. (Sarkin, J, 2008, p. 199) مطابق با ماده ۱۰ سند مسئولیت بین المللی در چارچوب عناصر ذکر شده نقش، پذیرش و اعمال مسئولیت حمایت باید در بستر

نظام حقوق بشر بین‌المللی اعمال شده که تا این خود واحد زیادی وابسته به متابعت داوطلبانه دولت‌ها و گروه‌هایی است که در آن سرزمین کنترل مؤثر و واقعی را در دست دارند. (Penrose, M. M, 2000, p. 321)

آنچه که به نظر می‌رسد قطعنامه اخیر شورای امنیت در باب اعمال موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه زمینه نوعی دیالکتیک ارزش انسانی را فراهم کرده است و آن مبنای کنترل مؤثر و کنترل کلی بوده با این توضیح که شورای امنیت مطابق ماده ۱۰ سند طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، به اقدامات انتسابی از سوی یک گروه شورشی تحت عملیات نظامی گسترده و به‌کارگیری فشارها و سخت‌گیری‌های غیرانسانی علیه جمعیت‌های نژادی، قومی و مذهبی کمتر تفقد نشان داده با توجه به این‌که این گروه (طالبان) در جامعه بین‌المللی در تعهد به رعایت موازین حقوق بین‌الملل کارنامه خوبی ندارد. از جمله این موارد در گذشته کشتاری است که در مرکز هیئت دیپلماتیک ایران سال ۱۹۹۸ در شهر مزار شریف از یک خبرنگار و گروه دیپلمات‌های ایرانی انجام داد که اقدامات ناقض موازین حقوق بین‌الملل تلقی می‌شوند اگرچه این گروه بعدها این اقدام را رافع مسئولیت خویش اعلام نمود و آن را متوجه گروه خودسر از شاخه جنگجویان طالبان پاکستان یا گروه معروف حقانی دانست. (آقاجری، کریمی، ۱۳۹۴، ص ۸۸)

حال آن‌که مستند به آرا دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله در قضیه نیکاراگوئه این بخش از مسئولیت حمایت شامل مسئولیتی است که هر یک از طرفین در این قضیه دارند و شامل عناصر و سازوکارهای حمایتی است که در قطعنامه اخیر شورای امنیت در خصوص افغانستان به ایجاد «منطقه امن» که جزو درخواست فرانسه بود، اشاره‌ای نشده است. سیزده دولت عضو از پانزده عضو شورای امنیت به متنی که توسط نمایندگان ایالات متحده آمریکا، فرانسه و بریتانیا تهیه شده بود رأی مثبت دادند درحالی‌که چین و روسیه رأی ممتنع خود را اعلام کردند. در مفاد این قطعنامه تأکید شده که طالبان پس از خروج نیروهای آمریکایی به تمام «تعهدات» خود به‌ویژه درباره موضوع «خروج امن» و «برنامه‌ریزی شده» افغان‌ها و اتباع خارجی از افغانستان عمل کند.

در ماده ۵ از قطعنامه ۲۵۹۳ به بیانیه طالبان در ۲۷ اوت پرداخته که در آن اشاره شده است که شهروندان افغانی می‌توانند هر زمان که بخواهند به خارج از کشور سفر کنند و از طریق گذرگاه‌های مرزی چه به‌صورت هوایی و یا زمینی افغانستان را ترک کنند. این در حالی است که متن قطعنامه به مسئله منطقه امن که از پیشنهادات رئیس‌جمهور فرانسه بود، نمی‌پردازد. حال آنکه در ماده ۳۵ بخش سوم، دستور کار مشترک مجمع عمومی ملل متحد و شورای امنیت مصوب مورخ ۲ سپتامبر ۲۰۲۱ مسئولیت حمایت از جان و مال شهروندان افغان را در یک بخش گسترده‌تری را مورد توجه قرار داده است. از آنجاکه مسئولیت حمایت در صورتی اعمال می‌شود که حمایت سیاسی از آن صورت گیرد. لذا مسئولیت حمایت که در سال ۲۰۰۵ یک مفهوم اختلافی بود، در طی سال‌های اخیر و به‌ویژه در ۲۰۱۱ و با ایفای نقش از سوی نهادهای منطقه‌ای به یک واقعیت کاربردی تبدیل شده هرچند حدود و ثغور و معیارهای آن همچنان مبهم است. (World Federalist Movement - Institute for Global Policy, 2011) حال آنکه سال ۲۰۱۱

دبیرکل سابق ملل متحد در این خصوص بیان داشته است: «مسئولیت حمایت از حمایت روزافزون و گسترده‌ای نزد دولت‌های عضو برخوردار شده است. من خرسندم که این قاعده جهش سریعی پیدا کرده است. البته می‌دانم که نگرانی‌هایی از سوی برخی دولت‌ها وجود دارد. به همین دلیل است که ما صبور بوده‌ایم تا این فرایند هرچند زمان‌بر مورد حمایت واقع شود البته نه بدان معنی که دیگر بدفهمی در خصوص این اصل و اعمال آن وجود نخواهد داشت.» (Ban K., *Year-End Press Conference, United Nations, 2011*)

ملل متحد با تصویب قطعنامه ۲۵۱۳ (۲۰۲۰) نسبت به تلاش گروه طالبان در راستای شناسایی دولت تازه تأسیس خود در جامعه بین‌المللی موسوم به امارت اسلامی واکنش نشان دادند. اعضای شورا، عدم تمایل خود را در برقراری روابط با چنین رژیم‌های اعلام داشته زیرا بسیاری از چهره‌های سرشناس این گروه هنوز در فهرست گروه‌های تروریستی و کمیته تحریم‌های شورای امنیت قرار دارند. (عزیزی، ۱۴۰۰: ۷) لازم به ذکر است علی‌رغم صدور قطعنامه‌هایی در خارج از فضای شورای امنیت، اعضای دائم آن به‌ویژه ایالات متحده آمریکا یک‌سال قبل از به قدرت رسیدن این گروه مذاکرات مستقیمی با طالبان داشته‌اند درحالی‌که مسئولیت بسیاری از اعضای آن‌ها از این حیث محرز است لذا این خود می‌تواند به اجماع جهانی در عمل به قطعنامه‌های یادشده از یک‌سو و مواضع واحد دولت‌های جهان در قبال این گروه تأثیرات سویی را به‌جا گذارد.

نتیجه

شرایط نوظهور در افغانستان پس از استیلاي طالبان و تجربه‌ی نظام ملل متحد حاکی از ارتباط موضوعات بین‌المللی با ابعاد مختلف حقوق بشری است. امنیت ملی و متعاقب آن امنیت بین‌المللی و از بین رفتن خشونت و درگیری در درون کشورها و روابط میان دولت‌ها با به‌کارگیری ابزارهای نظامی محقق نمی‌شود. نیل به این هدف مستلزم تلاش‌های پیشگیرانه در جهت از بین بردن زمینه‌های بروز خشونت و درگیری در دو سطح داخلی و بین‌المللی است.

از این‌رو سازمان ملل باید به ابزار مؤثرتری در جهت تحقق صلح تبدیل شود تا اولویت‌هایی همچون مبارزه علیه خشونت و درگیری و مقابله با جرائمی نظیر جنایت علیه بشریت و نقض‌های فاحش حقوق بشر را دنبال کند. طبیعی است که در این راستا شورای امنیت باید مسئولیت‌های خود را در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به نحو مؤثرتری انجام دهند تا بتواند از نظر افکار عمومی مشروعیت بیشتری به دست آورد.

به نظر می‌رسد تحولات افغانستان اماره‌ای بر پذیرش اعمال مسئولیت حمایت است و حملات تروریستی به جمعیت غیرنظامی، اخراج، کوچ اجباری، نقض حقوق زنان و کودکان، رعب و وحشت و ناامنی مصادیق نقض حقوق بشر افراد است. برای اعمال مسئولیت حمایت لازم است دولتی قادر یا مایل نباشد از افراد تحت صلاحیت خود حمایت نماید که در این صورت، این وظیفه به عهده جامعه بین‌المللی است. عملیاتی هماهنگ، سازمان‌یافته و نظام‌یافته که در افغانستان رخ داده است نه تنها مانع ارتکاب این اعمال نشد بلکه خود ارتکاب این اعمال را رهبری و هدایت کرده

است. جامعه بین‌المللی نیز فقط به صدور قطعنامه‌ای از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل اکتفا نموده است. به این ترتیب با توجه به شرایط موجود در افغانستان می‌توان گفت در راستای حمایت و حفاظت از حقوق ملت افغانستان، ایجاد بستری مناسب برای اعمال حق تعیین سرنوشت ملت افغانستان می‌تواند راه‌کاری برای خاتمه یافتن نابسامانی موجود در این کشور در نتیجه اشغال نظامی آمریکا در گذشته و استیلاي طالبان در زمان حاضر باشد.

فهرست منابع

الف: فارسی

- اکرمی، طه (۱۴۰۰) «تحول راهبردی پایگاهی آمریکا: مطالعه موردی منطقه غرب آسیا (۲۰۱۵-۲۰۱۲)» فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۲، صص: ۳۳۶-۳۰۹.
- آقاجری، محمدجواد، کریمی، مرتضی (۱۳۹۴) نقش بازیگران منطقه‌ای در فرآیند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان و پساطالبان، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، سال ۸، شماره ۳۰، صص: ۵۷-۱۰۲.
- بقایی ماهانه، اسماعیل، (۱۳۸۰)، «تروریسم بین‌المللی و شورای امنیت سازمان ملل»، راهبرد، شماره ۲۱.
- باقری دولت آبادی، علی، یاقری، محمد و نایب، علیرضا، (۱۳۹۷)، «نقش عادت واره های قوم پشتون در بازتولید قدرت طالبان»، سیاست پژوهی دوره ۵، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۷، صص: ۱۰۳-۷۵.
- بهن تاجایی، شهرام، (۱۳۹۴)، «حاکمیت و مسئولیت حمایت در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۱، ۲۶۱-۲۳۷.
- بیات مصطفی و همکاران (۱۴۰۰) «پسا کرونا، افول هژمونی آمریکا و ظهور جهان منطقه‌ای ایران» فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۳، صص: ۶۲۶-۵۹۹.
- رحمانیان، حامد، پیری، حیدری، (۱۳۹۲)، «بررسی کیفرشناختی جنایات بین‌المللی»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره دوم، ۵۸-۲۶.
- دولت خواه، زهرا، امام جمعه‌زاده، سید جواد، (۱۳۹۴)، «دکترین مسئولیت حمایت: بررسی تطبیقی رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال بحران‌های لیبی و سوریه، راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۷۷، ۸۳-۵۹.
- زمانی، سید قاسم، زمانیان، سورنا، (۱۳۹۵)، «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۳، ۶۴۸-۶۲۷.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۵۷) نقدی و درآمدی بر تضاد دیالکتیکی، تهران، انتشارات حکمت.
- سیفی، سیدجمال (۱۴۰۰) حقوق مسئولیت بین‌المللی، تهران، شهردانش
- شهبازی، آرامش، (۱۳۸۸) حقوق بین‌الملل دیالکتیک ارزش و واقعیت، تهران انتشارات شهر دانش.
- عزیزی، ستار، حاجی، محمد، (۱۳۹۵)، «احراز مسئولیت دولت در خصوص ارتکاب ژنوسید: در تقابل یا تعامل با روند عدالت انتقالی»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هشتم، شماره دوم، ۱۸۲-۱۴۸.
- عزیزی، ستار (۱۴۰۰) «شناسایی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از منظر حقوق بین‌الملل» فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۸، شماره ۲ (۷۰)، صص: ۲۲-۷.
- قوام، سیدعبدالعلی، محسنی، سمیرا (۱۳۹۷) دیالوگ میان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل در آغاز هزاره سوم، نشر مخاطب، تهران.
- قوام، عبدالعلی، روان بد، امین، (۱۳۸۹)، «مفهوم مسئولیت حمایت: ارزیابی نقش غرب جنبش عدم تعهد در شکل‌گیری هنجار جهانی»، راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ۱۸۷-۱۷۱.
- قیصری، محمد، محمودی، نقدی پور، باقری علیرضا، نخبگان سیاسی و صورت‌بندی گفتمانی اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۵۲، زمستان ۱۴۰۰، صص ۹۰۳-۹۳.
- فرزانه، یوسف (۱۳۹۴) انسانی شدن حقوق بین‌الملل باتاکید بر نظریه مسئولیت حمایت، انتشارات میزان، تهران.
- کمیسون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، (۱۳۸۸) مسئولیت بین‌المللی دولت، مترجم: ابراهیم گل، علیرضا، تهران، انتشارات شهردانش.
- لسانی، حسام‌الدین، منفرد، مهوش، (۱۳۹۶)، «تاملی بر مشروعیت سیاست کشتار هدفمند از منظر حقوق بین‌الملل

بشردوستانه»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره نهم، شماره دوم، ۲۷۶-۲۴۶.

محمدزاده، ساوالان (۱۴۰۰) طالبان در پیشگاه حقوق بین‌الملل: نگاهی به زوایای مختلف، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، <https://unstudies.ir/iauns-forum/>

ممتاز، جمشید، شایگان، فریده (۱۳۹۷) حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالشهای مخاصمات مسلحانه عصر حاضر، تهران، چاپ دوم، انتشارات شهر دانش.

مونتجویی، مایکل (۱۳۹۶) مفهوم مسئولیت در غیاب فعل متخلفانه بین‌المللی، از کتاب: کرافورد، جیمز وهمکاران، مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل، مترجم: حدادی، مهدی، کریمی، سیامک، انتشارات مجد، تهران.

میرعباسی، سیدباقر، محمدی، عقیل، (۱۳۹۶)، «چالش‌های اجرایی نظریه مسئولیت حمایت با نگاهی به وضعیت لیبی و سوریه»، پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۷، ۳۸-۱۰.

نیکنام ابر بکو، بهناز، (۱۳۹۵)، «دکترین مسئولیت حمایت: ارتقاء حقوق بشر یا تئوری جنگ عادلانه»، سیاست جهانی، سال سی‌ام، شماره ۳، ۳۰-۷.

نلسون، ویلیام، (۱۳۸۴) «در توجیه دموکراسی»، ترجمه پارسا، علیرضا، تهران، نشر دیگر، چاپ اول، زمستان.

اسناد
قطعهنامه شورای امنیت ملل متحد، شماره ۲۵۹۶، مورخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱.

ب: انگلیسی

- Berkman, P. A., Lang, M. A., Walton, D. W., & Young, O. R. (2011). Science diplomacy. Antarctica, Science and the Governance of International Spaces.
- Barbour, B. and Gorlick, B.) (2008), "Embracing the 'Responsibility to Protect:.' A Repertoire of Measures Including Asylum for Potential Victims", International Journal of Refugee Law, Vol.20, No.159
- Ban, K, (2012), *Responsibility to Protect Came of Age in 2011, Conference on the Responsibility to Protect (RtoP), United Nations*, 18 January, available online at <http://www.un.org/News/Press/docs/2012/sgsm14068.doc.htm>(last visited 25 October 2021).
- Bruno Simma, (1999) "NATO, the UN and the Use of Force: Legal Aspects", European Journal of International Law, No.1.
- Champion.M & Malas.N, (۲۰۱۱), *Syria Pressures Opposition: Military Units Move on Border Towns, While Expatriates Take Steps to Form Alternative Government*, THE WALL STREET JOURNAL ONLINE, at <http://online.wsj.com/article/SB10001424052702304521304576449793044695976.html>. (last visited 25 October 2021)
- Desmond, T, (۲۰۰۸) *Taking the Responsibility to Protect*, INT'L HERALD TRIB., Feb. 20.
- Evans, G., (۲۰۰۷) *Delivering on the Responsibility to Protect: Four Misunderstandings, Three Challenges and How to Overcome Them*, Stiftung Entwicklung und Frieden (Development and Peace Foundation) Symposium, 30 November, available online at <http://www.gevans.org/speeches/speech243.html>. (last visited 25 october 2018)
- Evans,Gareth(2008)*The Responsibility to protect*,The Brookings Institution,Washington.
- Fahim.K & D. Kirkpatrick.D, (2011), *Qaddafi Massing Forces in Tripoli as Rebellion Spreads*, N.Y. TIMES, Feb. 25.
- Heaton, L.,(۲۰۱۲) *The UN Standard to Prevent Genocide, 10 Years Later*, Christian Science Monitor, 23 January, available at <<http://www.csmonitor.com/World/Africa/Africa-Monitor/2012/0123/The-UN-standard-to-prevent-genocide-10-years-later>> . (last visited 25 october 2021)
- J. Wheeler. N, (۲۰۰۸) "Operationalizing the Preventive Aspects of the Responsibility to Protect", Norwegian Institute of International Affairs, NO.3.
- Penrose, M. M., (2000), "Lest we Fail: the Importance of Enforcement in International Criminal Law", American University International Law Review, Vol. 15.

- Sarkin, J., (2008) “*The Role of Regional Systems in Enforcing State Human Rights Compliance: Evaluating the African Commission on Human and People’s Rights and the New African Court of Justice and Human Rights with Comparative Lessons from the Council of Europe and Organisation of American States.*” *Inter-American and European Human Rights Journal*, vol.1 No.2.
- Sarkin, J., (2009), “*The Role of the United Nations, the African Union and Africa’s Sub-Regional Structures in Dealing with Africa’s Human Rights Problems: Connecting Humanitarian Intervention and the Responsibility to Protect*”, *Journal of African Law*, Vol. 53.
- Sarkin, J., (۲۰۱۲) is the Responsibility to Protect an Accepted Norm of International Law in the post-Libya Era? *Groningen Journal of International Law*. Vol. 1, no. 0.
- Turner, M., (2005) “*UN Must Never Again be Found Wanting on Genocide*”, *Financial Times*, 15 September 2005, available online at <http://www.ft.com/intl/cms/s/545f929a-2618-11da-a4a7-00000e2511c8,Authorised=false.html?_i_location=http%3A%2F%2Fwww.ft.com%2Fcms%2Fs%2F0%2F545f929a-2618-11da-a4a7-00000e2511c8.html&_i_referer=#axzz1sSn4rDQz>.
- Christie, Kenneth and Hanlon, Robert James, (۲۰۱۴), *Sustaining Human Rights and Responsibility: The United Nations Global compact and Myanmar*, *Athens Journal of social Science*, Vol.1.No.1.

ج: اسناد

- International court of justice, *Application of the convention on the prevention and punishment of the crime of Genocide of the crime of Genocide, The Gambia v. Myanmar*, No.178, 22 July 2022.
- United Nations, security council, Resolution 2593 30th August 2021
- SC Resolution 1674, 26 April 2006.
- Report of the International Commission on Intervention and State Sovereignty, *The Responsibility to Protect*, 2001. available at <http://responsibilitytoprotect.org/ICISS%20Report.pdf>.
- African Union, *Constitutive Act (2000)*, at http://www.africa-union.org/root/au/AboutAu/Constitutive_Act_en.htm.
- Bangladesh/ Myanmar: *Rakine, conflict 2017*, world Health organization, Regional office for South – East Asia, Report No 1, 2017, 15 September, p1
- United Nations Human rights office of the high commissioner, report of OHCHR mission to Bangladesh interviews with Rohingyas fleeing from Myanmar since 9 October 2016, flash report, 3 February 2017: 16
- Office of the Special Adviser for the Prevention of Genocide 9 December 2011, available at <<http://www.un.org/en/preventgenocide/adviser/pdf/Anniversary%20of%20the%20Convention%20Statement%20FINAL.pdf>>.
- UN General Assembly, *Early Warning, Assessment and the Responsibility to Protect. Report of the Secretary-General*, United Nations, 14 July 2010, A/64/864, available at www.un.org/en/preventgenocide/adviser/responsibility.shtml
- UN General Assembly, *Implementing the Responsibility to Protect: Report of the Secretary-General*, United Nations, 12 January 2009, available at <http://www.unhcr.org/refworld/docid/4989924d2.html> .
- Secretary-General’s High-level Panel on Threats, Challenges and Change, *A More Secure World: Our shared Responsibility*, United Nations, 2004. at <http://www.un.org/secureworld/report2.pdf>.
- United Nations General Assembly, *Responsibility of States for internationally wrongful acts Compilation of decisions of international courts, tribunals and other bodies*, United Nations A/77/74, 29 April 2022.
- Ban, K., Secretary-General Defends, Clarifies, “*Responsibility to Protect*” at Berlin Event on “*Responsible Sovereignty: International Cooperation for a Changed World*”, United Nations Department of Public Information, 15 July 2008, SG/SM/11701 at <<http://www.un.org/News/Press/docs/2008/sgsm11701.doc.htm>>.

- United Nations, Annan, K. A., *We the Peoples: The Role of the United Nations in the 21st Century*, 27 March 2000, available online <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/un/unpan000923.pdf> .
- Report: Fighter jet shot down nearBenghazi, cnn word, (Mar. 19, 2011), http://articles.cnn.com/2011-03-17/world/libya.civil.war_1_rebel-stronghold-civilians Benghazi? _s=PM: WORLD.
- Security Council Report, *Security Council Transparency, Legitimacy and Effectiveness*, 18 October 2007, available online at http://www.securitycouncilreport.org/site/c.gIKWLeMTIsG/b.3506555/k.DA5E/Special_Research_ReportbrSecurity_Council_Transparency_Legitimacy_and_Effectivenessbr18_October_2007_No_3.htm.
- Asia- Pacific center for the responsibility to protect, cyclone nargis and the responsibility to protect, Myanmar/ Burma Brief No 2, 16, 2008
- African Union, Constitutive Act (2000), Article 4 (h); at http://www.africa-union.org/root/au/AboutAu/Constitutive_Act_en.htm.
- UN General Assembly, Early Warning, Assessment and the Responsibility to Protect. Report of the Secretary-General, 2010)
- UN General Assembly, Implementing the Responsibility to Protect: Report of the Secretary-General, 2009
- Ban, K., Remarks to the General Assembly: Informal Integrative Dialogue on ‘Early Warning, Assessment, and the Responsibility to Protect (RtoP)’, 2010
- SC Resolution 1674, 28 April 2006.
- SC Resolution 1755, 30 April 2007.
- SC Resolution 1828, 31 July 2008.
- Amnesty International, 34th the session of the UN Human Rights council, 2017, ASA16/5683/201
- Amnesty International, ASA, 16/5758/2017
- Report on situation of human rights in Myanmar, prepared by the special rapporteur on the situation of human rights in Myanmar, UN Doc A/67383, 25 September, 2012, para 63
- Towards a peace full, fair and prosperous future for the people of pakine, final report of the advisory commission on Rakhine state, advisory commission on Rakhine state, August 2017:19
- World Federalist Movement - Institute for Global Policy, General Assembly Holds Third Interactive Dialogue on the Role of Regional and Sub-Regional Arrangements in Implementing the Responsibility to Protect, 13 July 2011
- United Nations Human rights office of the high commissioner, report of OHCHR mission to Bangladesh interviews with Rohingyas feeling from Myanmar since 9 October 2016, flash report, 3 February 2017: 16
- Social security, Resolutions/RES/2593(2021